

مورخ: ۲۰۱۰/۷/۲۵

مترجم: نثار احمد صمد

جنگی که جنگ نیست

سخن ران: ران پاول، منبع: کانگریس امریکا

[این متن بیانیه ایست که نماینده پارلمانی حزب جمهوری خواه امریکا، ران پاول در کانگریس آنکشور ایراد نمود. داکتر ران پاول یک سیاست مدار مشهوریست که در انتخابات ریاست جمهوری بر علیه بارک اوباما کاندید شده بود. ران پاول پالیسی های منفی حزب خود و دیموکرات هر دو را به باد انتقاد میگیرند. وی در کانگریس نماینده تکزاس بوده و این سخنرانی رابتاریخ سوم ماه جولای امسال در کانگریس آنکشور ایراد نموده که متن آن چنین است:]

ما در جنوری ۱۹۹۱ در شرق میانه بر علیه صدام حسین دیکتاتور عراق، که در اثنای جنگ عراق - ایران متحد ما بود، وارد نبرد شدیم. تشنج سرحدی میان کویت و عراق وقتی ظهور نمود که وزارت خارجه ما به تهاجم صدام چراغ سبز نشان داد.

ما بتعقیب تجاوز مؤفقانه عراق بر کویت عکس العملی توأم با شوق و هیجان نشان داده و از نگاه نظامی داخل این منطقه وسیعی شدیم که عراق، افغانستان، پاکستان، یمن و سومالیا در آن واقع بوده، و شش هزار میل از ما فاصله دارد. از آن زمان بیست سال سپری شده، مرتکب کشتارهایی شده ایم و چندین تریلیون دالر را نیز ضایع نموده ایم، ولی نه تنها اینکه همان جنگ بگونه ای جاری است که اختتام آن بنظر نمی‌رسد، بلکه رهبران ما هنوز ایران را به بمباردمانها نیز تهدید میکند.

ما بنظر عده کثیر امریکاییها در جنگ قرار داریم. یعنی جنگی که نه بر علیه کدام کشور بلکه بر ضد یک تاکتیکی که تروریسم نامیده میشود جریان دارد. این کار به نیروهای ما اجازه می‌دهد تا حسب دلخواه هر وقت وارد هر نقطه جهان گردد. ولی سوال اینست که ما تحت کدام شرایطی وارد جنگ شده میتوانیم؟ کانگریس، طوریکه قانون اساسی ما ایجاب میکند، جنگ را اعلان نموده و این یک حقیقت است. لیکن رؤسای جمهور، کانگریس و مردم ما هیچ یک بر علیه این کار اعتراض نکرده است. حتی کانگریس با اطاعت محض کلیه مبالغی که برای این جنگ خواسته شده، کماکان منظور نموده است.

انسانها بقتل میرسند، بمباری میشوند، نیروهای ما می‌کشند و خود کشته می‌شوند. قوای ما یونیفورم می‌پوشند ولی دشمنان ما آنرا نمی‌پوشند. آنها مربوط کدام حکومت نیستند. آنها فاقد طیارات اند، فاقد تانکها اند، فاقد کشتیها اند، فاقد موشک ها اند، و هیچگونه تکنالوژی عصری نیز ندارند. پس اگر این یک جنگ واقعی بوده، کدام نوع جنگ است؟ معذالک، اگر این یک جنگ واقعی می‌بود، خیلی قبل آنرا می‌ربودیم. چه، از حمله یازدهم سپتامبر بدینسو هدف رسمی و گفته شده ما از بین بردن القاعده بوده است.

آیا القاعده در عراق وجود داشت؟ جواب اینکه در وقت صدام حسین قطعاً نه. رهبران ما برای حمله بر عراق به ما دروغ میگفتند و برای اشغال افغانستان ما را فریب می‌داد. همین اکنون در عراق القاعده موجود نبوده و فقط یکصد نفر آن در افغانستان باقی مانده است، ولی با وجود این همه خاتمه این جنگ هیچ بنظر نمی‌رسد. آیا دلایل دیگری در زمینه وجود خواهد داشت تا نشان دهد که این جنگ اصلاً جنگ نیست؟

پیروزی نظامی در افغانستان یک درک غلط است. آیا کسی واقعا می‌داند که ما در آنجا بر علیه کی می‌جنگیم و چرا؟ چرا این جنگ به پایان نمی‌رسد؟ تقریباً نه سال از این جنگ می‌گذرد ولی هنوز وسیعتر شده می‌رود. عده ای ادعا میکنند که این جنگ امریکا را محافظت میکند و نیروهای ما عرض آزادی ما در آنجا می‌رزمند و کشته میشوند و گویا این امر قانون اساسی ما را نگهمیدارد. آیا امروز راجع به گسترش این جنگ یکبار دیگر به ما همان دروغی گفته نمیشود که در دهه ۱۹۶۰ طی توسعه دادن جنگ ویتنام گفته میشد؟

ببینید امروز حکومت عراق متعلق بما است طوری که افغانستان از ما است . در افغانستان ما بر علیه طالبان یعنی کسانیکه خطرناک بوده ، می رزمیم و آنها با اسلحه دست داشته خود برای دفاع کشور شان با ما بر سر پیکار هستند . آنها یک وقتی مجاهدین نامیده میشدند که بشمول بن لادن دوستان قدیمی ما بودند تا در دهه ۱۹۸۰ شورویها را با جنگ از افغانستان اخراج میکردند . در آن جنگ « سی آی ای » ی ما بر ضد اشغالگران منحوس که همانا روسها بودند ، جهادیان بنیادپرست را تمویل میکردند . واه ، چقدر جای خوشی و امتنان بود . همان مردم امروز بر علیه اشغال خیر خواهانه ما نفرت نشان داده و در مقابل ما ایستاده اند .

در آنجا مقاومت بر علیه ما اضافه میشود در حالیکه بر اصرار ما نیز کماکان افزوده میشود . مردم ما اینک بیدار می شوند ، ولی مقامات ما از این حقیقت انکار می ورزند که : هر چند مدتی که ما در آنجا باقی میمانیم ، گفته آنده سنگینی خواهد کرد که خود را به این وقف داده که افغانستان مربوط به افغانهایی است که از اشغالگران خارجی نفرت دارند .

پس هر چند مدتی که ما در آنجا می جنگیم که اصلاً جنگ نیست ، به همان اندازه کمزور خواهیم شد ولی دشمن ما قویتر خواهد شد . وقتیکه یک نیروی غیر مسلح با یک ارتش مقتدر یعنی با نیرومند ترین اردوی جهان مصاف میشود ، باید پرسیده شود که از میان این دو کدام یکی آن دارای معیار بلند اخلاقی خواهد بود ؟

بلی ، واضح است که در افغانستان شکست نظامی در انتظار ما است . بدون تعویض خط مشی و طراحان آن ، صرف تغییر و تبدیل جنرالها مصیبت ما را هنوز دوامدار و دایمی میسازد و صرف آن چیز را بتعویق می اندازد که خواهی نخواهی امدنی است .

این جنگی نیست که جنرالهای ما برای آن آموزش دیده بود . دولت سازی ، کارهای پولیسی ، ساختارهای اجتماعی ، هیچگاه وظایف اشغالگران خارجی نبوده ، و نه هم کار سربازانی است که برای ربودن جنگ تربیه شده اند . پیروزی نظامی دیگر از زبان رهبران نظامی و سیاسیون ما افتیده است ، بدلیل اینکه آنها می دانند که چنین موفقیت در آنجا ناممکن است .

مصیبت بزرگتر اینست که این جنگ بر علیه خود ما بوده ، بر علیه ارزش های ما بوده ، بر علیه قانون اساسی ما بوده ، بر علیه ساختار مالی ما بوده ، و سر انجام بر علیه عقل سلیم ما بوده است . و بگونه ای که ما امروز در آن دخیل هستیم ، انتهای آن بسیار بد و ناگوار است .

پس یگانه چیزیکه ما به آن نیازمند هستیم ، همانا رهبران راستین و صادقی است که دارای صفات ممتاز و خط مشی جدید خارجی باشد . پایان